



پیامبر اکرم (ص):

خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آموزش دهد.

● جزوه درس:

امر به معروف و نهی از منکر



درس اول: جایگاه امر به معروف در قرآن و روایات

سیمای امر به معروف

- * امر به معروف، نشانه عشق انسان به مکتب است.
- * امر به معروف، نشانه علاقه انسان به سلامت جامعه است.
- * امر به معروف، نشانه فطرت بیدار جامعه است.
- * امر به معروف مایه تشویق نیکوکاران جامعه است.
- * امر به معروف، مایه تذکر و آگاه کردن افراد جاهل است.
- * امر به معروف و نهی از منکر والدین است که اساس تربیت کودک را تشکیل می‌دهد.
- * امر به معروف، سبب دلگرمی و تقویت افراد کم اراده می‌شود.
- * امر به معروف، نشانه حضور در صحنه است.
- * نهی از منکر، جبران کننده کمبود تقوای بعضی از افراد جامعه است.
- * امر به معروف، جامعه را رشد می‌دهد و نهی از منکر، جامعه را از سقوط نجات می‌دهد.
- * امر به معروف و نهی از منکر، نشانه غیرت دینی و احساس مسئولیت است.
- * امر به معروف و نهی از منکر، نوعی نظارت عمومی است.



ریشه های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده‌اند. مسأله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی‌شود و هر مسأله ای که اینگونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد. هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرها و انحراف ها، مخصوص انسان نیست. در قرآن می‌خوانیم: وقتی مورچه‌ای دید حضرت سلیمان با لشکرش در حرکت است، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال نشوید.

هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد.

بنابراین، فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسأله ای فطری برای انسان‌هاست، بلکه ریشه غریزی در حیوانات نیز دارد.

جایگاه امر به معروف در قرآن

این موضوع از همان روزهای اول بعثت پیامبر اسلام (ص) مورد عنایت اسلام بوده است. سوره والعصر که اوایل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله: «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»، اشاره به امر به معروف می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد تا یکدیگر را به کارهای حق و پایداری در راه خدا سفارش کنند.

اولین وظیفه انبیا

قرآن می‌فرماید: ما در هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه او دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ» و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست. «اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»



نشانه بهترین امت

قرآن خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تَوَافِقُونَ بِاللَّهِ» شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده‌اید؛ به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید.

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می‌دهد:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»، چنانکه امر منکر کار شیطان است: «الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ».

امر به معروف یک وظیفه عمومی است. قرآن می‌فرماید: تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند تا یکدیگر را به معروف سفارش کنند و از منکر بازدارند. البته در قرآن، امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

گروه ویژه

قرآن می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». از میان شما، گروهی باید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

حساب این گروه از حساب وظیفه عمومی جداست. این دسته باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوی منکرات را بگیرند. چنانکه اگر ماشینی در خیابان یکطرفه بر خلاف مسیر حرکت کند، دو وظیفه وجود دارد: یکی وظیفه عموم رانندگان که تخلف او را با بوق و چراغ به او بفهمانند و یک وظیفه هم پلیس دارد که او را جریمه کند.



جایگاه امر به معروف در روایات

پیامبر اکرم (ص) فرمود: آمران به معروف، جانشینان خدا در زمین هستند.

امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف، مثل رطوبت دهان است نسبت به آب دریا».

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم، یک مصلحت است (تا) انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد کند» و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی است.

امام باقر (ع) در مقام شکایت می‌فرماید: «افرادی هستند که اگر نماز ضروری به مال یا جانشان بزند، آن را ترک می‌کنند؛ همانگونه که امر به معروف و نهی از منکر را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین واجبات است، به همین خاطر رها کردند».

در حدیث می‌خوانیم: بهترین دوست آن است که هنگام خلاف، مانع تو شود و بدترین دوست آن است که به تو تذکر ندهد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: بهترین دوست من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند.

همچنین فرمود: کسی که بتواند جلوی مفساد را بگیرد، ولی نگیرد، گویا دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است.

رسول خدا (ص) فرمود: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به مقام آنان که به خاطر امر به معروف، بدست آورده اند، غبطه می‌خورند.

در پایان این بحث، به نمونه‌ای قرآنی اشاره می‌شود.



یک نمونه قرآنی از نهی از منکر

حضرت ابراهیم که عموی خود را بت پرست می‌دید، برای بازداشتن او از این کار به او گفت: این مجسمه‌هایی که شما پایبند عبادت آن‌ها شده‌اید، چه معنایی دارد؟

«إِذِ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»

از این بیان بسیار کوتاه به چند اصل مهم در امر به معروف و نهی از منکر پی می‌بریم:

- ۱- کسی که امر به معروف می‌کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.
- ۲- در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد. «قال لابیہ»
- ۳- امر و نهی را از نزدیکان شروع کنیم. «قال لابیہ»
- ۴- در نهی از منکر، ابتدا از منکرات بزرگ شروع کنیم. «ما هذه التماثيل»
- ۵- در امر و نهی، مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه سازیم. «انتم لها عاكفون»
- ۶- در نهی از منکر، گاهی باید یک نفر در برابر گروهی قرار گیرد. «لابیه و قومہ»
- ۷- در امر و نهی با شیوه سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنیم. «ما هذه التماثيل»
- ۸- در امر و نهی، قاطعیت و صراحت داشته باشیم. «انتم و آبائکم».



درس دوم: آثار و برکات

الف: برکات معنوی

اصلاح خود انسان

حضرت علی (ع) به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی.

همان گونه که هر کس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود.

شرکت در پاداش نیکی‌ها

در روایات متعدد می‌خوانیم: هر کس مردم را به کار خیر راهنمایی و سفارش کند، در پاداش آنان شریک است، بدون آنکه از اجر عامل کاسته شود. چنانکه هر کسی دیگری را به کار خلاف و انحراف دعوت کند، در کیفر او شریک است.

نجات از قهر خدا

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هر کس منکر و خلافی را دید و قلباً از آن ناراحت شد، همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است و هر کس با زبان از کار خلاف نهی کرد و به پاداش رسیده است.

ب: برکات اقتصادی

قرآن می‌فرماید: اگر مردم ایمان آورند و تقوا پیشه کنند (که یکی از مصادیق تقوی امر به معروف و نهی از منکر است) بطور قطع، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان خواهیم گشود.

امام باقر (ع) می‌فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد می‌شود.

اگر در برابر کم‌فروشی‌ها، گرانفروشی‌ها، رباخواری‌ها و حيله و تزویرها همه افراد حساس باشند، بازار اصلاح می‌شود.



حضرت علی (ع) همواره با تازیانه وارد بازار می‌شد و به کسانی که جنس خود را در سایه می‌فروختند تا عیب آن مخفی بماند و یا جنس بهتر را روی دیگر اجناس و نوع نامرغوب را در زیر می‌نهادند، هشدار می‌داد.

رسول اکرم (ص) به ابن مسعود فرمود: با گناهکاران معامله نکنید! اگر مسلمانان به همین جمله عمل کنند، یعنی تجار خلافکار را بایکوت و همه بر ضد آنان اعتصاب کنند، او مجبور است خود و تجارتش را اصلاح کند.

ج: برکات اجتماعی

قرآن جامعه‌ای را رستگار می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده باشد .

صالحانی را که ما در هر نماز با جمله «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین» بر آنان درود می‌فرستیم، کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند .

اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، به تدریج اشار حاکم خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که خوبان هر چه فریاد زنند، پاسخی نشنوند.

امام صادق (ع) به یکی از یاران خود فرمود: اگر شما دور بنی عباس را نمی‌گرفتید، آن‌ها ما را خانه نشین نمی‌کردند. سکوت شما، ما را خانه نشین کرد.

درس سوم: مراحل امر به معروف و نهی از منکر

- ۱- مرحله اول: انسان قلباً از اینکه معصیت خدا شود، ناراحت باشد و کار خلاف را در روح خود منکر بداند و از آن متنفر باشد. در این مرحله، احدی معاف نیست.
- ۲- مرحله دوم: با زبان به خلافکار هشدار دهد و به خوبی‌ها سفارش کند. قرآن می‌فرماید: کیست بهتر از آنکه به سوی خدا دعوت کند و کردار خودش نیکو باشد.
- ۳- مرحله سوم: اگر بیان اثر نکرد، با قدرت جلو خلاف گرفته شود.



اصل تأثیر

امر به معروف و نهی از منکر برای تأثیر است؛ یعنی می‌بینیم که خلافکار از چه طریقی از کردار خود دست بر می‌دارد، از همان راه وارد شویم. آنچه اسلام از ما خواسته، منع از منکرات و سفارش به معروف‌هاست؛ ولی شیوه انجام آن تعبدی نیست؛ یعنی اینکه به چه نحو باشد؟ در چه زمان باشد؟ با چه وسیله‌ای باشد؟ از طرف چه کسی باشد؟ به چه شکل باشد؟ تعبدی نیست.

اسلام آن‌ها را به عقل واگذار کرده تا بهترین و سریع‌ترین راه را برای تأثیر پیدا کند. بزرگان شرط وجوب امر به معروف را احتمال تأثیر دانسته‌اند، یعنی اگر بدانید که اثر نمی‌کند، بر شما واجب نیست. ما ضمن پذیرش این اصل کلی، به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱- ممکن است سخن ما فعلاً اثر نکند؛ ولی بعداً و به مرور زمان موجب بیداری و هوشیاری شود.

امام حسین (ع) فرمود: من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر به کربلا می‌روم. گرچه آن زمان، امام شهید شد و یزید و لشکرش تحت تأثیر قرار نگرفتند؛ ولی به مرور، ناحق بودن بنی‌امیه و مظلومیت اهل بیت پیامبر (ص) برای مردم روشن شد.

۲- فضا سازی یک ارزش است؛ برای مثال هر کسی که به تنهایی مشغول نماز شود، مستحب است اذان بگوید و در اذان، «حیّ علی الصلوه» سر دهد. گفتن این جمله، یک ارزش است؛ هر چند شنونده‌ای وجود نداشته باشد تا برای برپایی نماز بشتابد.

۳- با نهی از منکر، لذت گناه را از کام گناهکار می‌گیریم و نمی‌گذاریم که او با خیال راحت گناه کند.

۴- عذر برای ما و اتمام حجت برای گناهکاری؛

قرآن می‌فرماید: گفتن حق مایه اتمام حجت بر گنهکار است تا نگوید: کسی به من تذکر نداد و عذری است برای مؤمن تا به او گفته نشود: چرا فریاد نزدی. «عذراً او نذراً».



آری احتمال اثر، شرط وجوب است؛ یعنی اگر احتمال اثر نمی‌دهی، واجب نیست نه آنکه ممنوع باشد.

احیای سرمایه های درونی برای پذیرش

۱- ایمان به خدا

بهترین وسیله برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر، تحکیم عقیده به مبدأ و معاد است. برای مثال، به کسی که وارد منزلی می‌شود، زمانی می‌توان گفت: این کار را بکن و این کار را نکن! که عقیده داشته باشد: منزل صاحبی دارد، حسابی در کار است و کارهای او در منزل زیر نظر است. قرآن درباره بعضی می‌فرماید: خدا را فراموش می‌کنند و یا قیامت را به فراموشی می‌سپارند.

کسی که خدا را ناظر و فرشتگان او را مأمور ثبت و ضبط کار خود بداند و توجه داشته باشد که در روز قیامت خداوند پرونده اعمال انسان را جلو روی او خواهد گذاشت و او باید پاسخگوی همه کارها، بلکه افکار و نیات خود باشد، چنین فردی دست به گناه نمی‌زند.

۲- تشکر از خداوند

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «حتی اگر خداوند برای گناه، کیفر دوزخ قرار نمی‌داد، لازم بود که انسان بخاطر تشکر از آن همه الطاف او، از گناه و مخالفتش دوری کند».

۳- توجه به نظارت اولیای خدا

در اصول کافی، روایات متعددی نقل شده است مبنی بر اینکه: در هر هفته، اعمال انسان به امام زمان (ع) و پیامبر اکرم (ص) عرضه می‌شود و آن بزرگواران را خشنود یا ناراحت می‌کند.

۴- توجه به آثار شوم گناه



قرآن می‌فرماید: «ما أصابكم من مصيبةٍ فبما كسبت أيديكم»، مصیبت که به شما می‌رسد، بخاطر عملکرد خودتان است.

آشنایی با تاریخ و زندگی اقوام گذشته که اهل منکر بودند، انسان را به دوری از منکرات می‌کشاند. در قرآن دهها آیه در این زمینه آمده است:

«فأهلكناهم بذنوبهم» ما فلان قوم را بخاطر گناهانش هلاک کردیم.

«فأهلكوا بالطاغية» طغیان مردم سبب نابودی آنان است.

«و منهم من أغرقنا» قومی را در آب غرق کردیم.

«جعلنا عاليها سافلها» شهر قومی را زیر و رو کردیم.

آشنایی با این هشدارها، یکی از عوامل دست برداشتن از منکرات و کفر و طغیان است. تمام آیاتی که سفارش به سیر در زمین و نگاه همراه عبرت کرده و تمام آیاتی که ما را به مطالعه عاقبت کار نیکوکاران یا فاسدان دعوت کرده، به همین منظور است.

۵- توجه به برکات معروف

آشنایی با منافع و آثار خوبی‌ها، انسان را برای انجام معروف آماده می‌کند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، حتماً پیرو ما می‌شوند».

امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند متعال به موسی وحی کرد: من بخاطر تلاش پدران به فرزندان لطف می‌کنم. اگر پدران نیکوکار باشند، به فرزندانشان خیر و برکت می‌رسد؛ اما اگر شرور باشند، به فرزندانشان شر می‌رسد.



نمونه برکات

*احسان به مردم، سبب احسان خداوند و مردم به ما می شود.

*صدقه دفع بلا می کند.

*حج، انسان را از فقیر شدن بیمه می کند.

*زکات، مال را بیمه می کند.

*عفو مردم، کلید عفو الهی است.

*صله رحم عمر را طولانی می کند.

*نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد.

*کارهای نیکو، گناهان را از بین می برد.

*روزه، وسیله سلامتی است.

*قناعت، کلید عزت است.

*زهد، رمز رحمت است.

*یاد خدا تنها وسیله آرامش است.

درس چهارم: آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

جامعه ساکت مرده است

قرآن می فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» اگر قاتل را به قصاص رساندید، زنده اید.



در حدیث می‌خوانیم: کسی که در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها تفاوت باشد، مرده‌ای است که در میان زنده‌ها نفس می‌کشد.

سکوت در برابر گناه نتیجه‌ای جز خسارت ندارد. بر اساس سوره عصر، حتی کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند و دیگران را به حق و صبر سفارش نکنند، در خسارت‌اند.

در قرآن می‌خوانیم: اگر گروهی از مردم جلو فتنه و فساد دیگران را نگیرند، همه زمین به فساد کشیده می‌شود.

در حدیث آمده است: اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد، ولی اگر گناه آشکار انجام شود و مردم قدرت برخورد داشته باشند، ولی ساکت بمانند، خداوند همه را مورد قهر و عذاب خود قرار می‌دهد. چنانکه در قرآن فرماید: از فتنه‌هایی که آتش آن همه را می‌سوزاند، بترسید!

بر اساس روایات: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، اشرار بر آنان مسلط خواهند شد و دعاها و ناله‌ها دیگر اثر نخواهد داشت.

گاهی سکوت در برابر گناه، نشانه رضایت است که در این صورت بر اساس آیات و روایات، این گونه افراد شریک گناهکار حساب می‌شوند. خداوند یهودیان زمان پیامبر خطاب می‌کند: چرا شما انبیای پیشین را کشتید؟ در حالی که نیاکان آنان پیامبران را کشته بودند، ولی چون نسل آن‌ها به کار پدران خود راضی بودند، خداوند فرزندان را به کردار پدران مورد عتاب و انتقاد قرار می‌دهد. با اینکه قاتل حضرت علی (ع) یک نفر به نام ابن ملجم بود، ولی در شب نوزدهم ماه رمضان سفارش کرده‌اند که صد مرتبه بگویند: «اللهم العن قتلته امیر المؤمنین» خدایا! قاتلان علی را لعنت کن! زیرا بسیاری دیگر نیز به این کار راضی بودند.



سیمای افراد ساکت در قرآن

در حدیث می‌خوانیم: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، از امت من گروهی از قبر بر می‌خیزند در حالیکه در قیافه بوزینه و خوک هستند. این قیافه‌ها بخاطر آن است که آنان قدرت بر نهی از منکر داشته، ولی با گناهکاران سازش کردند».

کسانی که سکوت را شکستند

ابن سکیت از یاران امام رضا (ع)، امام جواد و امام هادی (ع) و در عین حال معلم فرزندان متوکل، خلیفه عباسی بود. روزی متوکل از او پرسید: «فرزندان من بهترند یا حسن و حسین، دو فرزند علی بن ابی طالب». او سکوت چندین ساله را شکست و گفت: «قبر غلام علی از تو و فرزندان بهتر است، تا چه رسد به حسن و حسین». متوکل که هرگز توقع شنیدن چنین سخنی را نداشت، به شدت عصبانی شد و دستور قتل او را صادر کرد.

توجهات بهانه جویان

۱- گناه دیگران، به ما کاری ندارد

بعضی می‌گویند: «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، «من و گناهکار را در یک قبر نمی‌گذارند»، لذا در برابر باطل ساکت می‌مانند، در حالیکه جرم در جامعه قابل سرایت است. یک نفر سیگاری هوای محیط را آلوده می‌کند. دروغ نیز جو بی اعتمادی را بر جامعه حاکم می‌کند. گناه در جامعه مثل سوراخ کردن کشتی است، همین که آب وارد شد، همه را غرق خواهد کرد.

۲- مانع آزادی مردم است

بعضی می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر، نوعی دخالت در امور شخصی مردم و سلب آزادی از آنان است. در حالیکه معنای آزادی آن نیست که هر کس هر کاری انجام دهد؛ زیرا این نه با عقل سازگار است و نه هیچ فرد و رژیم بی‌آن تن می‌دهد. آزادی در چهارچوب قانون و عقل و فطرت معنا دارد، وگرنه می‌شود هرج و مرج و بی‌بند و باری. در زندگی



اجتماعی آزادی باید بر اساس سلامت جامعه و مقررات فراگیر معنا شود. فرمان پلیس در مورد حرکت یا توقف اتومبیل‌ها برای اصلاح امر ترافیک، در همه جای دنیا پذیرفته شده است و کسی آن را مخالف آزادی نمی‌داند، در حالی که کار پلیس نوعی امر به معروف یا نهی از منکر عملی است.

۳- حیا و خجالت

گاهی فرد خجالت می‌کشد و حیا می‌کند از اینکه تذکر دهد و جلوی منکر را بگیرد. این نوع حیا در روایات اسلامی مورد انتقاد است و باید این صفت را از خود دور کرد.

۴- ترس

برخی افراد می‌ترسند که مشتری و خریدار آنان کم شود؛ یا دوستانشان را از دست بدهند؛ یا به حرفشان اعتنایی نشود؛ یا مورد تهدید قرار گیرند و یا مردم از کار آنان انتقاد کنند. در حالیکه در روایات متعدد آمده است: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و نترسید؛ زیرا نه رزق شما قطع و نه مرگ شما نزدیک می‌شود».

۵- با یک گل بهار نمی‌شود

گاهی سکوت دیگران، انسان را به سکوت وا می‌دارد و می‌گوید: من که به تنهایی نمی‌توانم کاری بکنم، اگر همه بگویند، من هم می‌گویم. در حالیکه امر به معروف در آن فضای مرگبار و ساکت، پاداش بیشتری دارد. در حدیث می‌خوانیم: «بهترین جهاد، کلمه حقی است که انسان در برابر فرد ستمگر بگوید».

۶- انحراف فکری

بعضی افراد می‌گویند: اگر خدا می‌خواست، خودش جلوی این افراد را می‌گرفت و توبیخشان می‌کرد، لابد خدا خواسته است که این کارها باشد و به ما چه ربطی دارد که مانع شویم؟ این



منطق نظیر آن است که بگوییم: اگر فلان کار خوب است، چرا خدا خودش انجام نمی‌دهد؛ اگر سیر کردن گرسنگان خوب است، خدا خودش به آنان روزی دهد؛ چرا ما خرج آنان را بپردازیم؟

گویا این افراد از اینکه خداوند مردم را مختار آفریده تا هر کس به انتخاب خودش عمل کند و آزمایش خود را پس بدهد، غافلند.

۷- توقع نابجا

بعضی می‌گویند: نگرانیم که به گفته ما عمل نشود. این توقع نابجا است؛ مگر مردم سخن همه انبیا و امامان معصوم را گوش دادند؟

رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: «به خدا سوگند که اگر حتی یک نفر توسط تو هدایت شود، برای تو از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است».

۸- دیگران هستند

گروهی می‌گویند: اگر لازم باشد، فلان شخصیت یا مقام و یا فلان انجمن اسلامی و دیگران هستند. غافل از آنکه امر به معروف همچون نماز، وظیفه همه ماست و غفلت دیگران، دلیلی بر توجیه غفلت ما نیست.

۹- امروز بگوییم، فردا چه می‌شود؟

بعضی امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند و می‌گویند: «بر فرض ما امروز جلو فساد را گرفتیم، باز فردا فساد خواهد کرد». مثل آنکه بگوییم: «اگر امروز منزل و حیاط را تمیز کنیم، باز هفته دیگر کثیف خواهد شد». تکرار گناه فردا، دلیل بر سکوت امروز ما نیست.



۱۰- ترک وظیفه به گمان خودسازی

فراریان جنگ تبوک به پیامبر اکرم (ص) می گفتند: در سفر تبوک و جنگ با سپاه روم نگرانیم که چشممان به دختران آنان بیفتد و گناه کنیم، لذا به این سفر نمی آییم!

۱۱- کار از کار گذشته

بعضی می گویند: باید فکر اساسی کرد و کار از تذکر و موعظه گذشته است. مانند آنکه تشنه ای را می بیند و می تواند با کمی آب او را از مرگ نجات دهد، ولی می گوید: باید فکر آبرسانی سراسری باشیم.

بیان آثار شوم منکر

اگر از اول جلو منکر گرفته نشود، پی در پی خطراتی را به دنبال خواهد داشت. حضرت علی (ع) نفوذ تدریجی و گام به گام شیطان را اینگونه توصیف می کند:

«فَبَاضَ»؛ اول شیطان در روح انسان تخم گذاری می کند.

«وَوَفَّرَخَ فِي صُدُورِهِمْ»؛ بعد جوجه ها از تخم بیرون می آیند.

«وَدَبَّ»؛ سپس در روح انسان به حرکت در می آیند.

«وَوَدَّرَجَ فِي حُجُورِهِمْ»؛ پس در دامن انسان به راه می افتند.

«فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ»؛ پس شیطان به واسطه چشم آنان می نگرد و بجای عین الله، عین الشیطان می شنوند.

«وَنَطَقَ بِالسَّنْتِهِمْ»؛ و حرف خود را با زبان آنان می زند.

«فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ»؛ به واسطه این افراد، سبب لغزش دیگران را فراهم می کند.



احتمال ضرر و خطر

گرچه طبق قانون «اهم و مهم» باید در هر اقدامی محاسبه کرد و هر حرکتی را سنجیده انجام داد، ولی باید در انجام این دو وظیفه بزرگ، گاهی به استقبال خطر رفت.

اگر قرآن در ستایش از افرادی می‌فرماید: «آنان از هیچ سرزنی نمی‌هراسند»، بخاطر این است که عمل به وظیفه سرزنش دارد و باید آماده بود.

آیاتی که در انتقاد از گروهی می‌فرماید: «خداوند سزاوار تر به ترسیدن است تا مردم» به ما می‌گوید: «از مردم نترسید».

و روایاتی که می‌فرماید: «بزرگ ترین جهاد، کلام حقی است که نزد حاکم ستمگر زده شود» و «حق را بگویند گرچه بر علیه شما باشد»، الهام بخش جرأت و جسارت در انجام تکلیف الهی است.

بنابراین، روایاتی که می‌گویند: «امر به معروف، زمانی است که انسان بر جان خود و دوستانش نترسد»، مخصوص مواردی باشد که قانون اهم و مهم مطرح است؛ یعنی منکر در حدی نیست که ارزش فدا کردن جان را داشته باشد.

اصلاً امر به معروف، در دسر دارد و لذا لقمان به پسرش می‌گوید: فرزندم! نماز به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما و در انجام این وظیفه، آنچه به تو رسد، صبر و تحمل کن که این پشتکاری نیاز به صلابت و عزم و اراده‌ای قوی دارد.

حمایت از آمرین به معروف

خلیفه سوم، عثمان، دستور تبعید ابوذر یار وفادار رسول خدا را به ربنده صادر کرد و گفت: هیچ کس نباید ابوذر را بدرقه کند!

اما امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین (ع) سکوت را شکسته و به حمایت از این آمر به معروف به پا خواستند و او را بدرقه کردند. به هنگام بدرقه، هر سه بزرگوار به او دلداری دادند و سخنانی فرمودند. حضرت علی (ع) فرمود: «ای اباذر! تو برای خدا غضب کردی و فریاد زدی. این‌ها از



افشاگری تو ترسیدند؛ ولی تو هم از گناه سکوت ترسیدی و فریاد زدی. فردای قیامت معلوم خواهد شد که برنده کیست».

ابوذر در ربه غریبانه و در حالیکه سرش در دامن دخترش بود، جان سپرد.

اگر مشکلاتی پیش آمد، چه کنیم؟

از یک سو قرآن می‌فرماید: «خداوند برای شما آسانی خواسته است و نه سختی» و از سوی دیگر امر به معروف و نهی از منکر، در برخی موارد موجب درگیری و ضرر می‌شود، پس چه باید کرد؟ پاسخ: اولاً خود قرآن فرموده است: «در این راه، هر مشکلی به تو رسید، تحمل کن».

ثانیاً: انبیا و اولیا در راه زنده کردن حق و محو باطل، آن همه سختی کشیدند. قرآن می‌فرماید: «حوادث تلخی که برای شما پیش می‌آید، با وجود تلخی و نگرانی برای شما، برکاتی نیز دارد زیرا وسیله‌ای برای توبه و استغفار شماست».

بنابراین، باید بنگریم که هر کجا مسأله‌ای مهم بود، هر چیزی هرچه هم مهم باشد، فدای آن شود. برای مثال، حفظ اسلام مهم‌تر از جان امام حسین (ع) است. لذا آن حضرت شهید شد تا اسلام زنده بماند.

درس پنجم: عوامل نپذیرفتن امر و نهی

الف: عوامل درونی

۱- جهل

کودکانی که از والدین خود اطاعت نمی‌کنند، بخاطر آن است که اسرار کلام والدین را نمی‌فهمند. انبیا به مردم منحرف می‌گفتند: «شما جاهلید و گرنه در برابر ما این همه سرسختی نشان نمی‌دادید».



۲- تعصب

تعصب زمانی مفید و مثبت است که پافشاری بر اهداف و آرمان‌های مقدس و مستدل باشد، ولی اکثر تعصبات، ریشه ملی و قومی و حزبی و نژادی و شغلی و... دارند و بر پایه موهومات و رسومات و پندارهای فردی و اجتماعی است.

تعصب دودی است که جلو دید چشم را می‌گیرد و فرد هیچ حقیقتی جز راه و رسم خود نمی‌پذیرد.

خداوند می‌فرماید: «اگر ما این کتاب را بر غیر عرب نازل می‌کردیم، عرب‌ها بخاطر تعصب نابجا تسلیم نمی‌شدند».

۳- تکبر

۴- سرچشمه تکبر، سن و علم و مال و شکل و قبيله و مقام و حزب و فرزند و امثال آن‌هاست. شخصی به محضر امام آمد و گفت: «من از لباس فاخر و منزل و مرکب خوب استفاده می‌کنم، آیا این نشانه تکبر است؟»

حضرت فرمود: «نشانه تکبر آن است که حرف حق را نپذیری».

۵- لقمه حرام

امام حسین (ع) روز عاشورا به لشکریان یزید فرمود: «دلیل آنکه امر به معروف و نهی از منکر در شما اثر نمی‌کند، آن است که شکم‌های شما از حرام پر شده است».

ب: عوامل بیرونی

۱- تبلیغات سوء

یکی از شیوه‌های مخالفان آن است که شخصیت پاکان و صالحان را در جامعه مخدوش کنند تا امر و نهی آنان بی اثر شود.



تبلیغات سوء کار را به جایی می‌رساند که مردم، انبیا را مجنون و ساحر، یوسف را متهم؛ حضرت علی (ع) را واجب‌القتل؛ امام حسین (ع) را شورشی و خدمت به یزید را عبادت دانستند.

۲- تعارضات تربیتی

تعارض میان مدرسه و منزل در مسائل دینی و تربیتی باعث می‌شود تا فرزند دچار سردرگمی شود. در مدرسه با نماز آشنا می‌شود، اما در خانه اش والدینش نماز نمی‌خوانند. تعارض میان سفارش به صرفه جویی در سخن و اسراف در عمل، اعتقاد شنونده را نسبت به گوینده کم می‌کند.

۳- طاغوت‌ها

در قرآن، بارها جمله «يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ»، به کار رفته است. افرادی که مانع راه خدا می‌شوند، معمولاً طاغوت‌ها هستند، البته سرمایه داران دنیا طلب و یا دوستان فاسد یا والدین و همسر و استاد و مشاوران ناباب مصداق این آیه می‌باشند.

۴- مشکلات اقتصادی

قرآن در دعوت به عبادت می‌فرماید: «فليعبدوا رب هذا البيت الذي اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف». مردم باید بنده خداوند باشند؛ او آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد. در اینجا خداوند، تأمین نیازهای اولیه مردم را زمینه دعوت آنان به عبادت قرار داده است.

درس ششم: وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر

از آیات قرآن استفاده می‌شود که کسانی در امر به معروف موفق‌ترند که:

۱- اهل توبه و سجده و رکوع و قیام باشند.



۲- هرگز توقع مادی از مردم نداشته باشند.

۳- گفتار و بیانشان

الف: حق و دلپسند باشد؛ «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ»

ب: به بهترین بیان باشد؛ مخاطب مسلمان باشد یا غیر مسلمان؛ «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا».

در قرآن از ناسزا گفتن به مشرکین نهی شده است؛ زیرا آنان نیز ممکن است به مقدسات ما ناسزا بگویند: «لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا».

۴- سخنشان منطقی باشد؛ در سراسر قرآن، کلمات برهان و بینه بارها به چشم می‌خورد؛ حتی از کفار می‌خواهد تا اگر منطقی دارند، عرضه کنند.

۵- از تحقیر دیگران بپرهیزند و بخاطر انجام منکر، توهینی نکنند.

۶- از کلمات عاطفی، نرم و محبت آور استفاده کنند.

قرآن، انبیا را برادر مردم معرفی می‌کند و این تعبیر بهترین اهرم برای جذب مردم است.

خداوند به موسی و هارون (ع) می‌فرماید: «هنگامی که نزد فرعون رفتید، با او به نرمی سخن بگویید».

دوری از قضاوت عجولانه

امام صادق (ع) برای مهمان خود خرما می‌فرمود: «مهمان این آیه از قرآن را خواند: «ثمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». از این نعمت‌ها در قیامت، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت.

گویا به نظرش آمد که خرما به این خوبی چرا در منزل امام است. امام فرمود: «مراد از نعمتی که در قیامت مورد بازخواست واقع می‌شود، نعمت رهبری و ولایت است، نه خرما».



میانه روی

بر اساس روایات، باید در نهی از منکر میانه‌رو بود و از هرگونه خود کم‌بینی یا خشونت و تندروی پرهیز نمود.

محبوبیت و نفوذ کلام

از امام صادق (ع) سؤال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: این کار بر شخصی واجب است که مورد احترام و اطاعت دیگران باشد و نسبت به معروف، علم و بصیرت داشته باشد، نه بر کسانی که خود در انتخاب راه متحیرند.

کسب آگاهی

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هیچ تلاشی و حرکتی نیست، مگر اینکه انسان در آن محتاج به شناخت باشد».

ابوحنیفه با امام صادق (ع) هم غذا شد. امام فرمود: «خداوندا! این نعمت‌ها از تو و پیامبرت می‌باشد».

ابوحنیفه گفت: «نعمت‌ها از خداست، چرا رسول خدا را اضافه می‌کنید؟ آیا این نوعی شرک نیست؟»

امام فرمود: «خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» خداوند و پیامبرش مردم را بی‌نیاز کردند.

روزی یک صوفی زاهد نما به امام صادق (ع) گفت: «چرا شما لباس‌های نرم و لطیف پوشیده‌اید؟ به خدا سوگند که پیامبر اینگونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام لباس خود را کنار زد و فرمود: «من زیر این لباس، لباس خشن پوشیده‌ام. لباس خشن زیر را برای خدا و اینکه نفس من رفاه طلب نباشد و لباس رو را برای آراستگی میان مردم پوشیده‌ام».

در حدیث حسینی می‌خوانیم:



«صاحب الامر بالمعروف یحتاج الی ان یکون عالماً بالحلال و الحرام»

کسی که امر به معروف می کند، باید دین شناس باشد و حلال و حرام بداند.

«فارغاً من خاصه نفسه». گرفتار نفس خود نباشد.

اگر حرفی می زند یا گامی بر می دارد، برای اصلاح جامعه و رضای خدا باشد و نه مطرح کردن خود.

«ناصحاً للخلق». خیرخواه مردم باشد و انگیزه او سوز درونی و غیرت دینی باشد.

«حسن البیان». گفتارش نیکو باشد.

«بصیراً بمکر النفس». از حیل‌های نفسانی آگاه باشد، تا مبادا در قالب امر به معروف و نهی از منکر، به اهداف شومی کشیده شود.

«صابراً». اگر در راه امر به معروف و نهی از منکر ضربه ای دید، مأیوس نشود و پشتکار داشته باشد.

«لا یتعمل الحمیه». در کار تعصب قومی و قبیله‌ای نداشته باشد.

«لا یغتاظ لنفسه». غیظ او برای نفس نباشد. بلکه برای خدا و ارتکاب کار زشت توسط دیگران باشد، نه اینکه چرا شأن و مقام مرا مراعات نکرد.

با عمل خود مردم را دعوت کنیم

در قرآن بارها از کسانی که مردم را به حق دعوت می کنند، ولی خود را فراموش کرده اند، انتقاد شدید شده است. «لم تقولون ما لاتفعلون».

در روایات می خوانیم: با عمل خود مردم را به راه حق دعوت کنید، «کونوا دعاه الناس باعمالکم».

برای مثال، مسئولان مملکتی باید در صف اول نماز جمعه و جماعات حاضر باشند تا نمازخانه‌ها و مساجد پر شود.



گروهی نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند: «تا ما به همه احکام عمل نکنیم، امر به معروف نمی‌کنیم».

حضرت فرمود: «امر به معروف کنید؛ گرچه به همه آنچه می‌گویید، عمل نمی‌کنید و نهی از منکر کنید، گرچه از همه منکرات دوری نمی‌کنید».

سؤال: اگر مردم مخالفت کردند، چه کنیم؟

پاسخ: اولاً: سنت و برنامه خدا، بر آزاد گذاشتن مردم است. لذا پیامبر می‌فرماید: «من وکیل شما نیستم».

بنابراین، معنای تذکر شما، قبول حتمی مردم نیست.

ثانیاً: باید به مردم فرصت داد. زیرا کسانی که مدت‌ها در راهی رفته‌اند، یکدفعه نمی‌توانند از راه خود دست بردارند.

ثالثاً: گاهی باید صبر کنیم تا حساسیت طرف از بین برود.

رابعاً: ممکن است اگر شیوه را عوض کنیم، او بپذیرد.

و فراموش نکنیم که اگر مردم اعتنایی نکنند، پاداش ما در نزد خدا محفوظ است.

از کار خلاف انتقاد کنیم نه از شخص

در قرآن می‌خوانیم که پیامبران به مردم می‌گفتند: «انّ لعملمکم من القالین». «من با عمل شما مخالف هستیم»، نه با خود شما.

اگر خلافکار احساس کند که شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ضعف او کار خلافش است، به راحتی آن را ترک می‌کند.



اما اگر احساس کند که انسانی منفور، مردود و مطرود است، هر روز به تباهی خود می‌افزاید. شخصی از امام کاظم (ع) پرسید: «یکی از یاران شما شراب خورده است. آیا از او تبری جوییم؟ امام فرمود: از کارش تبری جویید (نه از خودش).

به حداقل اکتفا کنیم

رسول خدا (ص) در روزهای اول دعوت خود، مردم را تنها به یک جمله سفارش می‌فرمود: «قولوا لا اله الا الله تَفْلِحُوا»، بگویید جز خدای یکتا معبودی نیست تا رستگار شوید.

حکم روزه، زکات و جهاد در اسلام، بعد از گذشت ۱۵ سال از بعثت پیامبر (ص) نازل شد.

در قرآن می‌خوانیم: «چون خداوند مردم را ضعیف دید، قانون خود را تخفیف داد».

در روایات آمده است که یه نفر مسیحی، مسلمان شد. رفیق مسلمانش سحرگاه به منزل او رفت و گفت: «الآن وقت نماز شب است». او را از خواب بیدار کرد و به مسجد برد و به نماز شب واداشت. همین که اذان صبح شد، گفت: «اکنون وقت نماز صبح است» و بعد نماز ظهر و عصر را خواندند؛ در حالیکه می‌گفت، نباید از نمازها و دعای نافله و مستحبات غافل شد. این مسلمان چنان با نماز و دعا وقت مسیحی تازه مسلمان را پر کرد که روز بعد گفت: اگر اسلام این است، همان بهتر که مسیحی باشم.

به سراغ کشف منکر نرویم

بعضی به سراغ کشف عیوب و گناهان دیگران می‌روند تا او را نهی از منکر کنند، در حالیکه قرآن با کمال صراحت، تجسس را تحریم کرده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «لغزش‌های مؤمنان را پیگیری نکنید که هر کس اینگونه باشد، خداوند علاوه بر آخرت، در همین دنیا او را افتضاح خواهد کرد».



نهی از منکر نه حسادت

ریشه برخی انتقادهای، عقده‌ها و حسادت‌هاست.

قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: «بعضی از مردم درباره تقسیم زکات به تو انتقاد می‌کنند؛ ولی اگر مقداری از زکات به خود آن‌ها بدهی، راضی می‌شوند و انتقادی نمی‌کنند؛ اما در صورتی که ندهی، عصبانی می‌شوند.»

درس هفتم: صفات و شرایط آمران و ناهیان

۱- با اراده باشد

قرآن می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر نیاز به عزم و اراده قوی دارد». لذا نباید این کار را بر اساس قهر و صلح مردم تنظیم کرد.

۲- برای خدا باشد

قرآن می‌فرماید: «ریشه بعضی از انتقادهای، مسائل شخصی است». اگر امر به معروف و نهی از منکر برای خدا باشد، مؤثرتر است؛ زیرا حرف صاف بر دل صاف می‌نشیند.

۳- سعه صدر

دعوت به حق و امر به معروف و نهی از منکر، کار انبیاست و مشکلات انبیا را نیز خواهد داشت. انبیا تهمت‌ها را با صبر و سعه صدر پشت سر می‌گذاشتند. آنان به کسانی که می‌گفتند: «ما تو را سفیه می‌بینیم، می‌فرمودند: در من سفاhti نیست و یا در برابر نسبت گمراهی می‌فرمودند: در من گمراهی نیست.»



۴- حسن خلق و نرمخویی

کسی که امر و نهی می‌کند، بدی‌ها را با خوبی دفع می‌کند و اهل انتقام و غیظ نیست. از لغزش مردم در هنگام عذرخواهی بگذریم که این، نشانه جوانمردان تاریخ است. همین که برادران یوسف از او عذرخواهی کردند، فرمود: «امروز ملامتی بر شما نیست».

توجه به همه جوانب

در کتاب الغدیر می‌خوانیم: شخصی از دیوار خانه مردم بالا رفت تا ببیند که افراد آن خانه چه می‌کنند. همین که دید مشغول شراب خوردن هستند، از بالای بام نهی از منکر کرد.

صاحبخانه به او گفت: من یک منکر انجام دادم، و آن اینکه شراب خوردم، ولی تو گرفتار چند منکر شدی؛ تجسس و ورود به حریم خانه مردم و ارباب، منکرهایی بود که تو مرتکب شدی.

هرگز خود را بهتر ندانیم

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ای بنده خدا! در عیب‌جویی کسی بخاطر گناهانش شتاب نکن! چه بسا آن گناه بخشیده شود و درباره خود، حتی از گناه کوچکی که انجام داده‌ای، خود را در امان ندار، زیرا چه بسا که بخاطر آن عذاب شوی»

از کجا شروع کنیم؟

۱- خود

قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا آنچه را می‌گویید عمل نمی‌کنید؟».

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تا خودم کاری را انجام ندهم، شما را به آن سفارش نمی‌کنم و تا خودم از آن دوری نکنم، شما را از آن باز نمی‌دارم». البته عمل رمز موفقیت است و نه رمز وجوب.

۲- خانواده



قرآن می‌فرماید: «ای پیامبر! اول دختران و همسران را سفارش کن و آنگاه زنان دیگر را». قرآن در ستایش یکی از انبیا می‌فرماید: «او خاندان و بستگان خود را به نماز سفارش می‌فرمود».

البته گاهی همسر و فرزند قابلیت هدایت ندارند، ولی دیگران حرف حق را می‌پذیرند. نمونه آن، پسر نوح و همسر لوط است.

۳- نسل نو

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «روح نوجوان همچون زمین خالی است و آموزش نوجوان مانند نقش بر سنگ، ماندگار است».

در روایات می‌خوانیم: به سراغ نسل نو بروید، زیرا که آنان زودتر از دیگران به سوی خیر گرایش پیدا می‌کنند.

۴- همسایگان

رسول خدا (ص) فرمود: «چرا مردم همسایگان خود را آموزش نمی‌دهند؟ موعظه نمی‌کنند؟ امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند؟ چرا همسایگان حاضر نمی‌شوند آموزش ببینند؟»

نقش حکومت

گاهی اوقات، منکرات در سطح وسیعی مطرح است که جز با حرکت دولت، امکان نهی از آن نیست.

البته وظیفه حکومت تنها در این موارد نیست، بلکه باید از آمرین به معروف و ناهیان از منکر که طبق وظیفه فردی نیز تذکر می‌دهند، حمایت کند.



همکاری دولت و مردم همیشه کارساز بوده است و هیچ یک به تنهایی توفیقی کامل را بدست نخواهند آورد، لذا برای اجرای احکام نورانی اسلام باید حکومت اسلامی در کار باشد. ولایت فقیه یک ضرورت برای اجرای احکام الهی است.

وظایف حکومت در امر به معروف و نهی از منکر، مخصوص به چند نمونه نیست. حکومت وظیفه دارد معروف‌های سیاسی اجتماعی را احیا و از منکرات اقتصادی اجتماعی جلوگیری کند.

این‌ها نمونه‌هایی از وظایف حکومت است:

کنترل نرخ‌ها و جلوگیری از هرج و مرج بازار.

جلوگیری از واسطه‌های کاذب که سبب گران شدن جنس هستند.

نظارت بر قراردادها و جلوگیری از سوء استفاده‌هایی که در تنظیم اسناد می‌شود.

دقت در توزیع عادلانه، حفظ بیت المال و شناسایی امین‌ترین افراد برای سپردن بیت المال به آن‌ها.

استفاده بهینه از منابع طبیعی.

ایجاد شغل مفید برای بیکاران و آموزش دادن کارگران ساده برای بهتر نتیجه گرفتن از منابع طبیعی و فنی؛ زیرا اشتغال بزرگ‌ترین معروف و بیکاری زمینه انواع منکرات است.

سالم‌سازی محیط

محیط و جامعه در گرایش‌های فکری و اخلاقی افراد نقش مهمی دارد. از جمله:



۱- در تاریخ بنی اسرائیل می‌خوانیم: «همین که با معجزه موسی (ع) از رود نیل گذشتند، گروهی بت پرست را دیدند. فوراً تحت تأثیر قرار گرفتند و از موسی خواستند که حضرت برای آنان بت قرار دهد تا عبادت کنند».

۲- حضرت ابراهیم (ع) یک تنه تبر به دست گرفت و وارد بتکده شد و همه بت‌ها را شکست. سپس تبر را به گردن بت بزرگ آویخت.

۳- موسی به سامری گفت: «به خدا سوگند که گوساله طلایی تو را آتش می‌زنم و خاکسترش را به دریا می‌ریزم»

۴- ماجرای مسجد ضرار؛ منافقان در مدینه با وجود مسجد پیامبد (ص) مسجد دیگری ساختند تا در سایه نام مسجد، نیروهای خود را تمرکز دهند و با دشمنان خارجی ارتباط پیدا کنند. آن‌ها برای به رسمیت شناخته شدن مسجدشان از پیامبر اکرم (ص) دعوت کردند به امامت خویش نماز جماعتی در آنجا برگزار کند. حضرت که در آستانه جنگ تبوک بودند، پاسخ مثبتی ندادند. پس از آنکه رفتند و برگشتند، مردم را برای خراب کردن مسجدی که مرکز تجمع منافقین بود، بسیج کردند. از این ماجرا در قرآن به اشاره ذکر شده است.

نظام و حکومتی که بنا دارد امر به معروف و نهی از منکر را احیا کند، باید برای سالم‌سازی محیط گام‌هایی بردارد، از جمله:

- ۱- تبلیغ در مورد ازدواج آسان و دادن وام ازدواج به جوان‌ها
- ۲- تفکیک مراکز دختر و پسر در همه مقاطع تحصیلی، پارک‌ها، مکان‌های عمومی، بیمارستان‌ها و حتی مراکز خدماتی، تا از آنان بتوانند با لباس ساده مشغول به کار شوند و مردان نیز مزاحمتی نداشته باشند.
- ۳- جلوگیری از تولید فیلم‌ها، نوارها و کتاب‌هایی که در آن‌ها زمینه‌های انحراف و فساد و ابتدال زیاد است.



۴- دقت در گزینش افراد تا مهره‌های وابسته و فتنه‌گر، میدانی برای رشد افکار خود نداشته باشند.

۵- از آنجا که حیا مانع بسیاری از گناهان و نداشتن حیا زمینه ساز انواع منکرات است، مسؤولان نظام باید اصل حیا را در تار و پود جامعه مراعات کنند تا میدانی برای رشد خلافاکاران پیدا نشود.

۶- اسلام برای سالم سازی محیط، تربیت کودکان و مدیریت داخلی خانه را به زن سپرده است و تا حد امکان با سپردن کارهای مفید در محل آرام خانه، زن را از خارج شدن بدون دلیل و دور از چشم شوهر نهی فرموده است. البته هر کجا که نیاز باشد، به زن اجازه خروج داده است، از جمله رفتن به مکه بدون اجازه شوهر.

در قرآن، همانگونه که می‌خوانیم: «و اذکر فی الکتاب ابراهیم»، «و اذکر فی الکتاب موسی»؛ همچنین می‌خوانیم: «و اذکر فی الکتاب مریم». همانگونه که مرد می‌تواند الگو و اسوه باشد، قرآن همسر فرعون را الگو و نمونه تاریخ بشر قرار داده است.

درس هشتم: شیوهای امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت شیوه‌ها

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر که امر به معروف می‌کند، باید شیوه‌اش نیز معروف باشد».

قرآن می‌فرماید: «نیکی در این نیست که از بی راهه به خانه‌ها وارد شوید، نیکی در این است که از راه آن وارد شوید».

امام باقر (ع) ذیل این آیه فرمود: «خانه‌ها را از راهش وارد شوید»؛ یعنی هر کاری را از راهش انجام دهید.

آری برای هر معروف و منکری، از هر شخصی و در هر مکانی و هر زمانی شیوه‌ای خاص لازم است که اگر مراعات نشود، امکان دارد اثر منفی بدهد.



شیوه آئینه وار

حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «المؤمن مرأه المؤمن»، مؤمن آئینه مومن است. از این حدیث، نکاتی درک می کنیم:

- ۱- آئینه از روی صفا عیب را می گوید، نه از روی انتقام، غرض و کینه.
- ۲- آئینه زمانی عیب را نشان می دهد که خودش گرد و غبار زده نباشد.
- ۳- آئینه مراعات مقام و مدال را نمی کند.
- ۴- آئینه عیب را بزرگ تر آنچه هست، نشان نمی دهد.
- ۵- آئینه عیب را روبرو می گوید نه پشت سر.
- ۶- آئینه عیب را بی سر و صدا می گوید.
- ۷- آئینه عیب را در دل نگه می دارد و همین که از کنارش رد شدی، عیب از صفحه او پاک می شود.
- ۸- آئینه را اگر هم شکستی خرده های آن زشت و زیبا را نشان می دهد.
- ۹- اگر آئینه عیب مرا گفت، باید خودم را اصلاح کنم، نه اینکه آئینه را بشکنم.

توجه دادن به کرامت و ارزش انسان

اگر انسان بداند که جانشین خداست.

اگر انسان بداند که فرشتگان بر او سجده کرده اند. او موجودی است که روح در او دمیده شده است. تنها موجودی است که خداوند در آفرینش خود او را ستوده است. همه چیز را به تسخیر او درآورده است. در آفرینش، بهترین شکل را به او عطا کرده است. او را موجودی فناپذیر قرار داده است. ارزش او بهشت است و نه کمتر.

اگر انسان به این کرامت ها توجه کند، هرگز خود را به کارهای زشت آلوده نخواهد کرد. حضرت علی (ع) فرمود: «کسی که کرامت و ارزش خود را شناخت، دنیا و هوس ها نزد او ناچیز است».



شیوه های امر و نهی

۱- آماده سازی

سخن حق، همچون شکر است، اگر شکر را به همین شکل در گلوی کسی بریزیم، امکان دارد خفه شود. باید شکر را با آب مخلوط کرده تا تبدیل به شربت شود و برای همه قابل استفاده و تحمل شود.

۲- تلقین

چه بسیارند افرادی که از انجام معروف هراس دارند و چه بسیارند افرادی که جدا شدن از بعضی منکرات را برای خود محال می‌پندارند، در صورتیکه تلقین صحیح و بیان نمونه‌ها در این زمینه کارگشا خواهد بود.

۳- استفاده از هنر، شعر و طنز

نقش هنر در دعوت مردم به فساد و انحراف، بر کسی پوشیده نیست. سامری با هنر مجسمه سازی توانست مردم را منحرف و بنی اسرائیل را گوساله پرست کند. زیبایی، فصاحت و بلاغت، بهترین اهرم برای جذب مردم است؛ همانگونه که قیافه زیبا و موزون نقش مهمی در تأثیر کلام دارد.

در قرآن امر شده است که هنگام رفتن به مسجد، زینت‌های خود را با خود ببرید.

یکی از نام‌های قرآن، احسن القصص است. پس قصه‌گویی یک هنر است.

۴- انصاف در برخورد

قرآن کریم در نهی از شراب، اول از منافع مادی و مالی آن سخن گفته است و بعد می‌فرماید: «ضررش از نفعش بیشتر است».



خداوند در برخورد با کافران و منافقان و مشرکان، همواره از عبارت «اکثرهم» استفاده می‌کند؛ یعنی همه آنان را نفی نمی‌کند، بلکه می‌فرماید: بیشتر آن‌ها چنین هستند. در برخورد با خلافکاران نیز باید ابتدا نقاط قوت و مثبت آن‌ها را بگوییم و سپس آن‌ها را متذکر کنیم.

۵- امید دادن

گاهی انسان گناهکار با خود می‌گوید: «دیگر از ما گذشته است، ما دیگر راهی برای بازگشت نداریم و ما دیگر جهنمی شده‌ایم».

باید به آن‌ها از عفو الهی و پذیرفتن توبه و لطفی که خداوند به توبه‌کنندگان دارد بگوییم و خاطراتی از توبه‌کنندگان بیان کنیم تا گناه، او را به یأس نکشاند، زیرا یأس از گناهان کبیره است.

۶- تغافل

گاهی انسان باید خود را به غفلت بزند و تظاهر کند که که من متوجه خلاف تو نشدم تا از این طریق، شخصیت افراد شکسته نشود.

قرآن می‌فرماید: «برادران یوسف که پس از ده‌ها سال او را دیدند، نشناختند به او گفتند: «ما قبلاً برادری داشتیم به نام یوسف که دزد بود».

یوسف خود را به تغافل زد و نگفت آن برادر من هستم و چرا به من نسبت دزدی می‌دهید.

البته تغافل در مورد خلاف‌های شخصی، جزئی و فردی است.

۷- توجه به ظرفیت افراد

امام صادق (ع) شخصی را برای مأموریتی به منطقه‌ای فرستاد. او در گزارش خود به امام، از مردم منطقه به شدت انتقاد کرد. امام فرمود: «ایمان ده درجه دارد. یعنی یک درجه ایمان



دارند و بعضی دو درجه. بعضی هم هفت تا ده درجه. نباید کسانی که ایمان کامل‌تری دارند، از دیگران توقع بیش از ظرفیت داشته باشند.

۸- کنایه گویی

قرآن به حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را خدا بگیرید؟». در جای دیگر، خداوند پیامبر (ص) را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: «اگر پدر یا مادرت نزد تو به پیری رسیدند، تو با آنان درشتی نکن».

در حالیکه می‌دانیم حضرت عیسی (ع) مردم را به توحید دعوت می‌کرد و پیامبر اسلام (ص) در کودکی پدر و مادر خود را از دست داده بود. اینگونه خطاب‌ها در حقیقت به مردم است.

۹- ایجاد محبت

در بخش مهمی از قرآن، خداوند نعمت‌های خود را می‌شمارد تا عشق انسان را نسبت به خود زیاد کند. نمونه‌هایی از سیره پیامبر درباره جذب دل‌ها:

۱- هرگاه سه روز یکی از یاران را نمی‌دید، به سراغش می‌رفت.

۲- از آن‌ها در دورترین نقطه شهر، عیادت می‌کرد.

۳- مردم را با بهترین نام صدا می‌زد، حتی نام زنان و کودکان را با کرامت می‌برد.

۱۰- تحریک عواطف

شخصی به مادرش تندی کرد. روز بعد، امام صادق (ع) او را دید و به او فرمود: «چرا با مادرت تندی کردی؟ مگر نمی‌دانی که شکم مادرت منزل تو بود؟ دامان مادرت گهواره تو بود؟ شیر مادرت غذای تو بود»



۱۱- مخفیانه و مختصر باشد

در حدیث می‌خوانیم: «هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند، او را آراسته کرده، ولی هر کس او را آشکارا موعظه کند، او را شرمنده کرده است.»

۱۲- نمایاندن الگوها

معرفی چهره‌های موفق و تجلیل از آن‌ها، در دعوت مردم به معروف، نقش مؤثری دارد. اینکه مردم هر سال در عاشورا فریاد «یا حسین» سر می‌دهند، زمینه دوری از پذیرش طاغوت‌ها و وفاداری به نظام اسلامی می‌شود.

قرآن می‌فرماید: «مردم دنیا از همسر فرعون درس بگیرند که چگونه جذب مال و مقام و قدرت فرعون نشد.»

۱۳- تدریج

همانگونه که شیطان انسان را گام به گام به سوی فساد می‌کشاند، راه اصلاح و امر به معروف نیز باید گام به گام باشد.

در قرآن در مورد تحریم ربا این مراحل به چشم می‌خورد.

در مرحله اول، قرآن می‌فرماید: «آنچه به مال شما از طریق ربا اضافه می‌شود، نزد خدا افزایش نیست.»

در مرحله دوم، قرآن رباخواری را از عادات زشت یهودیان می‌شمارد.

در مرحله سوم، قرآن انسان را از ربای مضاعف و زیاد نهی می‌کند.

در مرحله چهارم، قرآن گرفتن ربا را به منزله اعلام جنگ با خدا می‌داند.



۱۴- تکرار

چون برنامه اسلام، تنها آموزش نیست، بلکه تربیت هم هست، لذا اوامر و نواهی باید تکرار شوند. برای هر غفلت، یک تذکر لازم است.

۱۵- مماشات

حضرت ابراهیم (ع) برای نهی از بزرگ‌ترین منکر (شرک) از راه مدارا و مماشات وارد شد و گام به گام به انتقادات خود اضافه کرد.

۱۶- حکمت، موعظه، جدال نیکو

قرآن کریم به پیامبر عزیز می‌فرماید: «از طریق حکمت و منطق یا موعظه و نصیحت و یا جدال نیکو مردم را به اره خدا دعوت کن».

در امر به معروف و نهی از منکر، باید روی مسائلی تکیه کرد که قابل خدشه نباشد.

مراد از موعظه حسنه، موعظه‌ای است که بر اساس محبت و با بیان نیکو باشد و در زمان و مکان مناسب با شیوه‌های صحیح انجام گیرد.

مراد از مجادله نیکو نیز پذیرفتن نقاط قوت دیگران و استدلال و مقابله به مثل در شیوه‌هاست.

۱۷- ریشه مفاسد را بخشکانیم

قرآن می‌فرماید: «سوء ظن نبرید و تجسس نکنید» زیرا سوء ظن سرچشمه تجسس و تجسس سرچشمه غیبت می‌شود.

اگر قرآن، زنان را از پایکوبی و یا گفتار همراه با ناز و کرشمه و تحریک آمیز نهی می‌کند، بخاطر خشکاندن سرچشمه گناه است.



۱۸- احترام به ارزش‌های دیگران

قرآن کریم، به تورات و انجیل و انبیای گذشته احترام می‌گذارد و مراکز عبادت سایر ادیان را محترم می‌شمارد، حتی برای حفظ آن دفاع را لازم می‌داند.

۱۹- با انجام معروف، زمینه را بر منکر تنگ کنیم

قرآن می‌فرماید: «راه جلوگیری از فحشا و منکر، انجام معروفی همچون نماز است.»

هنگامی که خداوند می‌خواهد حضرت آدم را از غذایی منع کند، ابتدا اجازه بهره‌برداری از غذاهای دیگر را به او می‌دهد و می‌فرماید: «از هر غذایی در بهشت استفاده کن، ولی از این غذا استفاده نکن!».

تفریح و ورزش از معروف‌هایی است که جلو بسیاری از مفسدات، امراض و منکرات را می‌گیرد.

۲۰- توجه به زمان

در روایات می‌خوانیم: هنگام مسافرت، خانواده خود را به تقوی سفارش کنید، زیرا در آستانه جدایی، علاقه‌ها اوج می‌گیرد و زمینه پذیرش در انسان زیاد می‌شود.

در قرآن نیز نسبت به استغفار در سحر مکرر سفارش شده است.

۲۱- اعراض

قرآن می‌فرماید: «هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما به یاهو سرائی نشست‌اند، پس به عنوان اعتراض مجلس آنان را ترک کن یا مسیر حرف را تغییر ده و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، تا متوجه شدی جلسه را ترک کن و با ستمگران منشین.»



درس نهم: انواع معروف ها در قرآن

اقامه نماز

اولین معروفی که قرآن به آن سفارش فرموده و آن را نشانه ایمان به خدا می‌شمرد، نماز است. چنانکه در آغاز سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»، پرهیزکاران به غیب ایمان دارند و نماز بر پا می‌دارند.

نه فقط در اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند حضرت موسی را به انجام این معروف بزرگ فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكری»، ای موسی! نماز را به پای دار تا یاد من در تو زنده شود.

قرآن نیز پیامبر اسلام را مأمور می‌کند تا خانواده اش را به نماز دعوت کند: «و امر اهلک بالصلوة».

رسیدگی به محرومان

دستورات اسلام، به نماز و روزه و قرآن و دعا و دیگر وظایف فردی محدود نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای از دستورات دین، مربوط به جامعه و مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن است که یک مؤمن باید ابتدا این معروف‌های مورد نظر دین را بشناسد، تا هم خود عمل کند و هم دیگران را به آن دعوت کند.

از مهم‌ترین دستورات اجتماعی اسلام، رسیدگی به محرومان و نیازمندان در همه ابعاد زندگی است.

خمس و زکات دو واجب مالی است که هر مؤمنی را ملزم می‌کند بخشی از درآمد خود را صرف نیازهای جامعه و نیازمندان کند. در تمام قرآن، هر جا نامی از نماز آمده است، زکات نیز ذکر شده است تا مؤمنان گمان نکنند با ادای نماز، تکلیفشان تمام می‌شود. «یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ».



احسان و نیکوکاری

نه فقط نسبت به محرومان، بلکه نسبت به همه افراد جامعه باید انسان روحیه احسان و نیکوکاری داشته باشد.

مورد واجب آن، احسان به والدین است که قرآن می‌فرماید: «و بالوالدین احسانا»، لذا خدمت به پدر و مادر و نیکی به آنها در هر شرایطی لازم است، چه مؤمن باشند و چه کافر، چه محتاج باشند و چه نباشند.

در مورد افراد دیگر جامعه نیز اسلام سفارش‌های متعددی کرده که همه نشانه توجه اسلام به روحیه تعاون و همکاری در میان افراد جامعه است، از جمله این دستورات، وام دادن به یکدیگر است که خداوند خود را گیرنده وام معرفی کرده تا وام دهنده احساس کند به خدا وام می‌دهد و به این کار تشویق شود. «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً».

اصلاح ذات البین

افراد جامعه در مقابل اختلاف‌ها و نزاع‌هایی که میان برخی مردم وجود دارد، مسئولیت دارند و باید میان آنها را اصلاح کنند و آشتی دهند. خداوند مؤمنان را به این امر سفارش نموده و می‌فرماید: «و اصلحوا ذات بینکم».

البته قرآن برای پیشگیری از بروز چنین اختلاف‌هایی همواره مؤمنان را به عفو و گذشت از یکدیگر سفارش نموده و می‌فرماید: «و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبّون أن یغفر الله لکم».

عدالت ورزی

جامعه اسلامی بر قسط و عدل بنا می‌گردد و مهم‌ترین شرط حاکم اسلامی، عدالت ورزی است و مؤمنان نیز باید به عدالت رفتار کنند و با یکدیگر برخورد عادلانه داشته باشند. نه فقط به دیگران ظلم نکنند، بلکه زیر بار ظلم هم نروند. «لا تظلمون و لا تُظلمون».



خداوند همواره مؤمنان را به این معروف بزرگ سفارش کرده و می‌فرماید: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان» و پیامبر را نیز مأمور ساخته تا این فرمان الهی را به گوش مردم برساند: «قل أمر ربی بالقسط».

ازدواج و تشکیل خانواده

انسان نیاز به انس و محبت دارد و این نیاز طبیعی در بستر خانواده به صورت سالم و کامل برآورده می‌شود، لذا اسلام آحاد جامعه را مأمور ساخته تا نسبت به ازدواج دختران و پسران جوان اقدام نموده و آنان را به عقد یکدیگر درآورند.

ازدواج معروفی است که پیامبر همواره مردم را به آن سفارش کرده و آن را بیمه انسان از بسیاری گناهان دانسته است.

حیا و عفت

قرآن از یکسو با تشویق جوانان به ازدواج، زمینه بسیاری از گناهان را در جامعه از بین می‌برد و از سوی دیگر، پیامبرش را مأمور می‌سازد تا به دختران و همسران خود و زنان مؤمن سفارش کند با ناز و کرشمه سخن نگویند، با حیا راه بروند و پای بر زمین نکوبند، مواضع زینت خود را برای مردان نامحرم آشکار نسازند و از مختلط شدن با مردان بپرهیزند. «یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین».

همچنین مردان مؤمن را فرمان می‌دهد که نگاه خود را به زنان نامحرم کوتاه کنند و از چشم چرانی بپرهیزند.

صبر و استقامت

انسان در انجام تکالیف خود، گاهی دچار تنبلی و سستی می‌شود. یکی از وظایف مؤمن این است که همواره دیگران را به صبر و پایداری در انجام وظایف دینی سفارش کند تا این تذکرات موجب



شود فرد از کوتاهی بپرهیزد، چنانکه در سوره والعصر، سفارش به صبر از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است: «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر».

احیای مراکز دینی

در فرهنگ اسلامی، حتی عبادت و نیایش نیز به صورت جمعی صورت می‌گیرد و مسلمانان سفارش شده‌اند که نمازهای خود را به جماعت و در مسجد بجای آورند.

هر هفته روزهای جمعه به نماز جمعه بروند، در پایان یک ماه روزه داری، نماز عید فطر را به جماعت باشکوه برگزار کنند. زیارت خانه خدا را همراه با دیگر مسلمانان از دیگر نقاط جهان در ایام حج بجا آورند، لذا قرآن از یکسو به احداث و احیای مساجد سفارش نموده و از سوی دیگر از مؤمنان خواسته با بهترین لباس و به بهترین شکل در مراسم نماز جماعت حضور یابند.

وحدت و اطاعت

حفظ و بقای یک جامعه نیازمند وحدت و یکدلی افراد آن جامعه است. تفرقه و تشتت، یک جامعه را از درون می‌پاشد و نا امنی و نا آرامی را به دنبال دارد، لذا قرآن همواره مؤمنان را به وحدت سفارش کرده و فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا».

البته وحدت باید بر اساس اطاعت از خدا، رسول خدا و حاکمان برگزیده خدا باشد و گرنه کافران نیز بر باطل خود اتحاد و اتفاق دارند.

درس دهم: انواع منکرها در قرآن

منکر چیست؟

منکر یعنی کاری که عقل و دین آن را زشت و ناپسند بداند، بر خلاف معروف که یعنی؛ کاری که در عرف افراد متدین، پسندیده و نیک شمرده شود. منکرات را نمی‌توان شماره کرد، زیرا در همه امور زندگی یافت می‌شوند. منکرات در یک سطح نیستند، بعضی جنبه زیربنایی و کلیدی دارند و بعضی روبنایی و در درجه چندم اهمیت هستند.



الف) منکرات اعتقادی

خرافات

در میان مردم، خرافات بسیاری وجود دارد که ریشه منطقی و عقلی ندارد، مثل اعتقاد به نحس بودن عدد سیزده که هیچ دلیلی ندارد، اما گاهی خرافات به اسم دین است که ناشی از جهل مردم نسبت به معارف دینی باشد.

قرآن در سوره انعام، به شدت با خرافات زمان پیامبر اسلام مبارزه می‌کند و می‌فرماید: «به چه دلیل گوشت برخی حیوانات را بر خود حرام می‌کنید و برخی را حلال، مگر از جانب خدا دلیلی دارید».

تبعیض در احکام دین

یکی از مهم‌ترین اصول دین، تسلیم بودن در برابر احکام و دستورات الهی است، اما متأسفانه برخی جوانان و خصوصاً قشر تحصیلکرده می‌گویند: ما باید دلیل و فلسفه هر حکمی را بدانیم تا آن را عمل کنیم و هرچه را که نفهمیدیم عمل می‌کنیم و هرچه را که نفهمیدیم عمل نمی‌کنیم و در واقع میان دستورات خدا تبعیض روا می‌دارند و به فهم خود عمل می‌کنند نه به دستورات خدا. قرآن، تبعیض در احکام دین را نشانه افراد منافق دانسته و سخن آن‌ها را چنین نقل می‌کند که می‌گویند: «نؤمن ببعض و نکفر ببعض».

ب: منکرات اجتماعی

مدپرستی و تقلید کورکورانه

مدپرستی نشانه خودباختگی، برهنگی فرهنگی و بی‌توجهی به هویت ملی و دینی است. از نظر فقهی تشبّه به کفار حرام است.

در روایات می‌خوانیم: «حتی در لباس پوشیدن و نوع غذا مستقل باشید و از بیگانگان تقلید نکنید.



شرکت در جلسات گناه

قرآن می‌فرماید: «هرگاه در مجلسی حضور یافتید که آیات خدا مورد انکار و مسخره قرار گرفته است، آن مجلس را ترک کنید».

زیرا سکوت و سازش شما، به یاوه سرایان جرأت هرگونه توهین و جسارت به مقدسات مذهبی را می‌دهد.

تهمت و آبروریزی

از جمله منکرات اجتماعی، توهین و تحقیر، فحش و ناسزا، غیبت و تهمت و آبروریزی است.

قرآن، اینگونه رفتار نسبت به دیگران را نشانه افراد جهنمی دانسته و درباره اهل دوزخ می‌فرماید: «هر گروه که به جهنم داخل می‌شوند، به گروه دیگر لعنت و نفرین می‌کنند: «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا».

پیروی از شخصیت‌های کاذب

در قرآن، آیات فراوانی مردم را از پیروی از مفسدین، مسرفین، گنهکاران، فرومایگان، جاهلان، هوس‌بازان، غافلان و کافران بازداشته است. بر عکس، شخصیت‌های واقعی را از انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان دانسته و بر هر مسلمانی واجب کرده است که در هر نماز پیروی خود را از خط آنان اعلام کند و بگوید: «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم».

سوءظن و تجسس و غیبت

قرآن با صراحت می‌فرماید: «بعضی گمان‌ها، گناه است».

سوءظن، زمینه تجسس و تجسس، زمینه غیبت و غیبت، مهم‌ترین عامل برای گسستن محبت‌ها، پیوندها و اعتمادهاست.



بی تفاوتی

در حدیث می‌خوانیم: «اگر کسی ناله مظلومی را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست».

قرآن می‌فرماید: «چرا برای نجات مستضعفان قیام نمی‌کنید؟».

البته این بی‌تفاوتی نسبت به جامعه است؛ اما گاهی انسان نوعی بی‌تفاوتی درونی نسبت به خود پیدا می‌کند که در برابر دیده‌ها و شنیده‌ها عبرت نمی‌گیرد و سنگدل می‌شود و قطره اشکی هم ندارد.

اشاعه فحشا

نه تنها اشاعه فحشا، بلکه علاقه به آن هم گناه بزرگی است؛ در حالیکه علاقه به هیچ گناهی، مادامی که انجام نگرفته است، گناه نیست.

چاپلوسی و غلو

در نهج البلاغه می‌خوانیم: «ستایش بیش از حد، تملق و کمتر از حد، نشانه حسادت است».

ج) منکرات خانوادگی

بروز آلودگی و خلافتکاری در خانواده، سرچشمه فساد و تبه کاری در آینده می‌شود. از مهم‌ترین منکرات خانوادگی، سوء استفاده از سرمایه همسر، مهریه‌های زیاد، توقع مراسم و تشریفات بیش از حد و دخالت‌های نابجای بستگان عروس و داماد است.

حضرت شعیب (ع) وقتی می‌خواست دخترش را به حضرت موسی (ع) بدهد، دو نوع مهریه را پیشنهاد کرد و سپس فرمود: «انتخاب یکی از مهریه‌ها ی پیشنهادی با شماست. من بنا ندارم بر تو سخت بگیرم و تو را به مشقت بیندازم».

از دیگر منکرات خانوادگی، بی‌توجهی به فرزندان و تبعیض میان آنهاست؛ همانگونه که شوخی‌های نابجا، انتقادات ناصحیح و خدای ناکرده سخنان ناروای والدین در حضور فرزندان و یا



دروغ‌هایی که والدین به یکدیگر می‌گویند و فرزند آن‌ها را می‌فهمد، هر یک آثار شومی در تربیت فرزندان و سرنوشت آینده آن‌ها خواهد داشت.

د: منکرات اقتصادی

منکرات اقتصادی بسیار است از جمله:

* ربا که به منزله اعلام جنگ با خداست.

* گران‌فروشی، غش در معامله، فروش جنس معیوب و احتکار.

* کم‌فروشی

* رشوه

در حدیث می‌خوانیم: «رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو در آتش هستند».

ه: منکرات نظامی

غفلت از دشمن

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «کفار دوست دارند که شما از اسلحه و امکاناتی که دارید، غافل باشید تا با یک یورش شما را نابود کند».

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تعجب می‌کنم که شما نسبت به دشمن خواب و غافل هستید، ولی دشمن نسبت به شما بیدار است».

فرار از جبهه

قرآن می‌فرماید: «جز آن‌ها که برای تهیه ساز و برگ نبرد باز می‌گردند، یا آن‌ها که به یاری گروهی دیگر می‌روند، ار کسی که پشت به دشمن کند، مورد خشم خدا قرار می‌گیرد و جایگاه او جهنم است که بد جایگاهی است».



نافرمانی از فرماندهی

در قرآن می‌خوانیم: «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هرگاه با رسول اکرم (ص) در کاری به طور دسته جمعی باشند، تا از او اجازه نگیرند، مرخصی نمی‌روند».

غنیمت گرایی

در جنگ احزاب، آنچه سبب شکست مسلمانان و کشته شدن عده‌ای از آنان گردید، غنیمت گرایی گروهی از رزمندگان بود که مأموریت خود را رها کرده و به جمع کردن غنائم مشغول شدند.

و: منکرات سیاسی

پذیرفتن طاغوت‌ها و رهبران نا اهل

نه تنها پیروی از طاغوت گناه است، بلکه کمک به او، رضایت بر کار او، دعای به او، علاقه به زنده بودن او، لبخند بر روی او، احترام به او، مسافرت برای دیدار با او، بیعت با او و سکوت در برابر او نیز گناه است.

پذیرفتن عوامل بیگانه

قرآن با کمال صراحت می‌گوید: «بیگانگان را مستشار خود قرار ندهید».

مداهنه و سازش

از آرزوهای دشمنان نسبت به ما، دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و سازش با آنان است.

پخش شایعات

پخش هر خبری که مسلمانان را به وحشت اندازد، جامعه را متزلزل و یا روحیه‌ها را تضعیف کند، ممنوع است



بزرگ کردن دشمن

در قرآن می‌خوانیم: «عده ای از منافقین به مسلمانان می‌گفتند: از کفار بترسید که عده آنها زیاد است، ولی مسلمانان بجای آنکه بترسند، بر ایمانشان اضافه می‌شد».

پذیرفتن حاکمان الهی

رسول خدا (ص) علی بن ابی طالب را در غدیر خم در میان حدود صد هزار نفر به جانشینی پس از خود منصوب کرد؛ ولی مردم فرمان رسول الله را امتثال نکردند.

